

# راهبردهای نظام سیاستگذاری بین‌المللی در قبال جنایت تعقیب و آزار و جرم‌انگاری آن در حقوق ایران

جمال بیگی\* و جمال نجاتی\*\*

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۵۷-۳۸۷
-----------------	------------------------	-----------------------	---------------------

جنایت «تعقیب و آزار» که در منشور نورنبرگ به عنوان جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری شد، از زمان تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و شناسایی تدریجی نظام حقوقی کشورها، در حقوق بین‌الملل از حیث شدت و اهمیت و به لحاظ میزان مجازات، از سنگین‌ترین جنایات بشریت به شمار می‌رود. حصری نبودن مصادیق این جنایت بسترهای متعددی برای وقوع آن در ابعاد مختلف سیاسی، مذهبی، نژادی و ... به وجود آورده است. در حقوق داخلی عناوین مجرمانه‌ای مشابه مصادیق جنایت تعقیب و آزار مشاهده می‌شود؛ اما آیا وجود این عناوین، نیاز به جرم‌انگاری همسو با اساسنامه دیوان را برطرف می‌کند؟ و به استناد آنها و درحالی‌که ایران هنوز به دیوان ملحق نشده، می‌توان مرتکبین جنایات مهم بین‌المللی را تحت پیگرد قرار داد؟ با بررسی توصیفی-تحلیلی این جنایت، رویکردهای متفاوتی در این باره تبیین و ضرورت جرم‌انگاری داخلی براساس الزامات ملی و بین‌المللی محرز شد.

**کلیدواژه‌ها:** تعقیب و آزار؛ شدت برابر؛ روبه قضایی؛ جرم‌انگاری؛ حقوق بنیادین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشیار گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛

Email: jamalnajati@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره یکصد و هشتم، زمستان ۱۴۰۰

doi: 10.22034/MR.2021.3993.4003

## مقدمه

فزونی جنایات علیه بشریت در قرن اخیر، اندیشه مجازات مرتکبین جنایات و رفتارهای غیرانسانی را قوت بخشید. اقدامات عملی در این باره، تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نورنبرگ، توکیو و دادگاه کیفری بین‌المللی را به دنبال داشت. افزایش قلمرو اختیارات سازمان‌های بین‌المللی، اصل عدم مداخله کشورها یا سایر نهادها در امور داخلی را به چالش کشید و مسیر مجازات مرتکبین این جنایات را در جهت تسکین آلام بزه‌دیدگان هموار کرد.

جنایات علیه بشریت برای نخستین بار در سال ۱۹۴۵ در منشور نورنبرگ و زمانی که تنظیم‌کنندگان این منشور با جنایات وحشتناکی علیه جمعیت غیرنظامی روبه‌رو شدند که به صورت غیرقابل انکار مغایر با وجدان عمومی و اصول حقوقی بود، اما در تعریف جرائم جنگی نمی‌گنجید (از قبیل اقدامات غیرانسانی نسبت به غیرنظامیانی که تابعیت دشمن را نداشتند)، تعریف شد؛ تعریف جنایات علیه بشریت در پیش‌نویس منشور نورنبرگ به صورتی تنظیم شد که بتواند دربرگیرنده این هنجارها باشد (کسمتی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). بند «پ» ماده (۶) منشور نورنبرگ جنایات علیه بشریت را چنین تعریف می‌کند «قتل، ریشه‌کن کردن، تبعید و دیگر اقدامات غیرانسانی که پیش از جنگ یا در طول آن علیه هر جمعیت غیرنظامی انجام شده باشد یا آزار و اذیتی که به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی در جهت انجام یا در ارتباط با هر جنایتی که در صلاحیت این دادگاه صورت گرفته باشد قطع نظر از اینکه نقض قانون داخلی کشور محل وقوع جرم باشد یا نباشد». این تعریف با تغییرات اندکی در منشور توکیو و در قانون شماره ۱۰ شورای کنترل گنجانده شد. اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا حاوی فهرستی از اقدامات غیرانسانی و شرایطی بود که این اقدامات را به جنایت علیه بشریت تبدیل می‌کرد. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در بند «۱» از ماده (۷) جنایات علیه بشریت را ارتکاب هر یک از اعمال موضوع اساسنامه مشروط بر آنکه بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته عمدی علیه جمعیت غیرنظامی باشد، می‌داند.

تعقیب و آزار یکی از شدیدترین جنایات علیه بشریت به شمار می‌رود که اولین بار،

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده (۱۸) طرح کد جنایات مصوب ۱۹۹۶، نسبت به تعریف آن از نظر حقوق بین‌الملل اقدام کرد. دومین تعریف توسط شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق در رأی مورخ ۷ مه ۱۹۹۷ در پرونده تادیچ ارائه شد (این اولین بار بود که تعقیب و آزار در یک رأی قضایی بین‌المللی تعریف می‌شد). اساسنامه رم سومین منبعی است که در آن از جنایت تعقیب و آزار تعریف شده است. در نهایت مهمترین تعریف از تعقیب و آزار در رأی مورخ ۱۴ ژانویه ۲۰۰۰ شعبه بدوی یوگسلاوی سابق در پرونده کوپرشکیچ و دیگران ارائه شد که در آرای بعدی دادگاه یوگسلاوی سابق و در دکتین، به عنوان تعریف مرجع پذیرفته شده است (Kordic and Cerkez, para. 195).

در منشور نورنبرگ و اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا به تعقیب، آزار و اذیت به دلایل «مذهبی، سیاسی یا نژادی» اشاره شده است و سپس در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی با افزودن دلایل قومی، ملی و جنسیتی اسناد پیشین تکمیل شد. براساس منشور نورنبرگ؛ تعقیب، آزار و اذیت صرفاً در مواردی قابل رسیدگی است که ارتباط آن با دیگر جرائم محرز باشد و این ضرورت تعقیب، آزار و اذیت را به یک جنایت فرعی تبدیل می‌کرد که هرگز نمی‌توانست به عنوان جنایت مستقل مورد استناد قرار گیرد و تنها کاربرد آن به عنوان یک اتهام اضافی، عاملی برای تشدید جنایت بود. اما در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی این ارتباط منتفی اعلام شد و تعقیب، آزار و اذیت به عنوان یک جنایت مستقل جرم‌انگاری شد. هرچند جنایات علیه بشریت جرائم بسیار شدیدی هستند و هیچ جنایت بی‌اهمیتی ندارند (Kupreškić, para. 569). اما جنایت تعقیب و آزار سنگین‌ترین جنایت علیه بشریت است که «به دلیل ویژگی‌های متمایز آن مجازات شدیدتر را توجیه می‌کند» (Todorović, para. 113; Blaškić, para. 785; Plavšić, para. 27).

یکی از موضوعات مهم عدالت کیفری بین‌المللی که ناشی از تأثیر تصویب اساسنامه رم در کشورهاست، جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در نظام عدالت کیفری ملی به منظور فراهم کردن امکان تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین این جنایات در نظام قضایی داخلی است. هرچند دلایل متعدد و پذیرش واقعیت‌های حقوق بین‌الملل (دادگاه کیفری بین‌المللی) حاکی از لزوم الحاق ایران به دیوان است، ولی تاکنون کشور به آن ملحق نشده

است. در قوانین کیفری ایران، عناوین مجرمانه‌ای وجود دارد که با مصادیق جنایت تعقیب و آزار مندرج در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مشابه و در برخی موارد همپوشانی دارد؛ اما آیا می‌توان براساس این عناوین مجرمانه، مرتکبین جنایات مهم بین‌المللی همچون جنایت تعقیب و آزار را تحت پیگرد قرار داد؟ چه الزاماتی جرم‌انگاری این جنایت در حقوق داخلی و پیش‌بینی آیین دادرسی متناسب با آن را توجیه می‌کند؟

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی پس از آشنایی با جنایت تعقیب و آزار و عناصر تشکیل‌دهنده و جایگاه آن در بین سایر جنایات علیه بشریت و راهبردهای نظام سیاستگذاری بین‌المللی در قبال این جنایت، به لزوم جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی به ویژه جنایت تعقیب و آزار پرداخته شده است.

## ۱. مفهوم اذیت و آزار

"Persecution" در لغت به معنای آزار، آزاررسانی، ستم و ستمکاری است (لاسه، ۱۳۶۸: ۵۶). معنای عرفی اصطلاح تعقیب و آزار از لحاظ فنی آنکه در اساسنامه رم، عناصر جرائم و سایر اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده متفاوت است. برای مثال باسیونی با اشاره به تعاریف موجود در لغت‌نامه‌هایی از سراسر جهان این تعریف را بیان کرد: «اقدام دولت یا سیاست منجر به آزار و اذیت، عذاب، ظلم و ستم یا اقدامات تبعیض‌آمیز طراحی شده به منظور ایجاد رنج فیزیکی یا روحی و یا آسیب اقتصادی به قربانی به دلیل اعتقادات و دیدگاه‌های وی یا عضویت قربانی در یک گروه مشخص شناسایی شده (مذهبی، اجتماعی، قومی، زبانی و ...) یا به منظور جداسازی و دسته‌بندی قربانیان با دلایل خاص مرتکب» (Bassiouni, 1999: 317).

در اسناد بین‌المللی تا زمان رسیدگی‌های دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و حتی در اساسنامه این دادگاه نیز هیچ تعریف روشنی از جنایت تعقیب و آزار و عناصر آن وجود نداشت. شعبه بدوی این دادگاه آزار را «نوعی تبعیض بر مبنای عقاید سیاسی، مذهبی یا نژادی» نامید

۱. این تعریف از جنایات تعقیب و آزار در جزئیات محکمه پرونده V. Dusko Tadić، به شماره IT-94-1، در بند «۶۹۵» مورد بحث قرار گرفت. دادگاه از تلاش‌های باسیونی برای پر کردن آنچه دادگاه به عنوان خلأ به آن اشاره داشت تقدیر کرد.

که «به منظور نقض حقوق بنیادین فردی انجام می‌شود» که باید برمبنای دلایل ذکر شده در اساسنامه یعنی دلایل سیاسی، مذهبی، قومی و نژادی روی دهد (Tadic, paras. 711-713). در پرونده‌ای دیگر آزار را «انکار شدید آن دسته از حقوق بنیادین مذکور در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی که از شدتی برابر با اعمال ممنوع شده در ماده (۵) برخوردار باشند، برمبنای تبعیض آمیز» تعریف کرده است (Kupreškić, Para. 621). به‌طور کلی در رویه قضایی دادگاه‌های خاص، تعقیب و آزار این‌گونه تعریف شده است: «فعل یا ترک فعلی که به‌طور واقعی تبعیض آمیز است و حقوق بنیادین مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی را نادیده می‌گیرد یا نقض می‌کند و با قصد انجام چنین تبعیضی انجام می‌شود» (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۹۵).

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این جنایت را در شق هفتم بند «۲» ماده (۷) خود تعریف می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد: «تعقیب و آزار به معنای محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل برمبنای هویت یک گروه یا جمعیت است». در عین حال اساسنامه مذکور در شق هفتم بند «۱» ماده (۷) بر دلایل تبعیض آمیز می‌افزاید: «آزار علیه یک گروه یا جمع مشخص برمبنای دلایل سیاسی، قومی، نژادی، ملی، فرهنگی، مذهبی و جنسی براساس تعریف بند «۳» یا سایر دلایلی که مطابق حقوق بین‌الملل به لحاظ جهانی در ارتباط با اعمال مقرر در این بند یا هر عمل دیگر در این اساسنامه ممنوع شناخته شده‌اند».

در اساسنامه دادگاه عراق<sup>۱</sup> به یک شرط جدید برای ۱۳ اشاره شده است: «تعقیب و آزار باید در رابطه با هر عملی که به عنوان نوعی خشونت جنسی شناخته می‌شود، با شدت برابر،

---

۱. «دادگاه ویژه عراق برای رسیدگی به جنایت‌های علیه بشریت» نهادی است که براساس قانون داخلی عراق برای محاکمه اتباع عراقی یا اشخاص مقیم این کشور (محاکمه صدام حسین و دیگر سران رژیم بعث عراق) که متهم به نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های جنگی بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۲۰۰۳ هستند تشکیل شده است. اساسنامه این دادگاه در تاریخ ۲۰۰۳ به تصویب شورای حکومتی عراق رسید. دادگاه ویژه عراق را می‌توان از لحاظ مبنای حقوقی تأسیس، یک دادگاه ملی مبتنی بر قوانین داخلی دانست، اما وجود معیارهای بین‌المللی در اساسنامه این دادگاه مانند پیش‌بینی اعمال مقررات و معاهدات بین‌المللی توسط دادگاه، امکان حضور قضات غیرعراقی در آن، صلاحیت فراتر از مرزهای عراق و تمرکز بر جنایت‌های ارتکاب‌یافته براساس موازین حقوق کیفری بین‌المللی که در سایر دادگاه‌های داخلی ملاحظه نمی‌شود؛ شرایط و موقعیت منحصربه‌فردی را برای این دادگاه رقم زده و آن را به یک دادگاه کیفری بین‌المللی مختلط تبدیل کرده است.

ارتکاب یافته باشد». محدود کردن و حتی پیوند دادن جنایت تعقیب و آزار به خشونت جنسی، حقوق ماهوی راجع به جنایات علیه بشریت را تضعیف می‌کند و در واقع تلاش بیش از نیم قرن شورای نظارت، دادگاه‌های کیفری رواندا و یوگسلاوی را در گسستن رابطه بین جنایات علیه بشریت و دیگر جنایات بین‌المللی زیر سؤال می‌برد. از سوی دیگر محدود کردن این دسته از جنایات به خشونت جنسی، معاذیری قانونی ایجاد می‌کند که سبب عدم پاسخگویی تام و کامل مرتکبین در قبال جنایت انجام شده، می‌شود. به عقیده عده‌ای درج چنین شرطی یک اشتباه نوشتاری و فنی است؛ شاید این ادبیات به نادرست از ماده قبلی در خصوص جنایت خشونت جنسی گرفته شده است (Bassiouni and Wahid Hanna, 2006: 64). در نهایت می‌توان گفت تعقیب و آزار عبارت است از اینکه مرتکب، شخص یا اشخاصی را صرفاً به جهت تعلق به یک گروه سیاسی، نژادی یا دینی خاص از حقوق اساسی‌شان (مثل حق حیات، حق بر تمامیت جسمانی و روانی، آزادی شخصی و مانند اینها) به صورت موقت یا دائم محروم کند. در این فرض مرتکب، قربانی را نه به عنوان یک شخص بلکه به عنوان عضوی از یک گروه مورد حمله قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر مرتکب از حمله به شخص قربانی فراتر می‌رود. منظور از حمله به قربانی، حمله به گروهی است که قربانی به آن تعلق دارد (صیرفی، ۱۳۸۷: ۱).

## ۲. ارکان جنایت تعقیب و آزار

تعقیب و آزار به عنوان راهبردی برای اشاعه ترس و وحشت در جامعه، سرکوب و تسلط بر گروه و جمعیت سیاسی، نژادی یا دینی خاص، توسط دولت یا نیروهای دولتی انجام می‌شود. پس از آشنایی با مفهوم تعقیب و آزار برای شناخت بهتر این جنایت ارکان آن بررسی می‌شود.

### ۲-۱. رکن قانونی جنایت تعقیب و آزار

اصطلاح «تعقیب و آزار» ابتدا در منشور نوزنبرگ، توکیو و قانون شماره ۱۰ شورای کنترل، جرم‌انگاری و سپس در اساسنامه دادگاه‌های کیفری خاص و دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شد.

در تعاریفی که این اسناد و ابزار از جنایت تعقیب و آزار به عمل آورده‌اند، همواره دو جزء اصلی وجود دارد «حقوق بنیادین» که نقض می‌شود و «تبعیضی» که در رفتار نمود پیدا می‌کند. برای روشن‌تر شدن مفهوم این جنایت به صورت مختصر این دو جزء توضیح داده می‌شود.

### ۱-۲. حقوق بنیادین

حقوق و آزادی‌هایی که وجود آنها موجب پایداری و نبودشان باعث ازهم‌گسیختگی فردیت انسانی (شخص یا شخصیت) می‌شود، حقوق بنیادین هستند (گرچی، ۱۳۸۳: ۱۴). زنجیره‌ای از حق‌هایی که نبود آنها امکان وجود سایر حقوق را غیرممکن خواهد کرد و نقض‌شان به معنای نقض سایر حقوق است (Jones, 1996: 43). حقوقی پایه‌ای، جهان‌شمول، ذاتی و غیرقابل سلب که سایر قواعد حقوقی از بطن آنها ناشی می‌شوند (زارعی، ۱۳۹۳: ۵) و در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری از جمله کنوانسیون حقوق بشر اروپا، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق بشر اسلامی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. حقوق بنیادین در نظام حقوقی کشور ایران براساس اصل (۲) قانون اساسی و مستخرج و مبتنی بر مبنای حقوق اسلام و تجربیات پیشرفته بشری هستند که ریشه در مفهوم فلسفی آن یعنی اختیار ذاتی و فطری انسان دارند و از آنجاکه در ذات و ماهیت انسان‌ها تغییر و تصرفی از جانب خداوند انجام نگرفته است، حقوق ذاتی او نیز تحول‌پذیر نخواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۹۳). حقوق بنیادین از دستاوردهای مهم حقوق بین‌الملل و نمایانگر ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی است؛ حقوق، آزادی‌ها و ارزش‌هایی که مقتضای کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها هستند و برای حفظ نظم جامعه بین‌المللی ضرورت دارند. از این رو تضمین حقوق بنیادین بشر با ضمانت اجرای کیفری، امری ضروری بوده و فلسفه جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت و به‌ویژه جنایت تعقیب و آزار، حمایت از همین حقوق است. تردیدی نیست که مفاهیم عالی‌ه انسانی از قبیل کرامت، شخصیت انسان، آزادی، مساوات و... ریشه در تعالیم انبیای الهی دارد و ادیان آسمانی کمک بزرگی به پیشرفت این حقوق کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۳: ۷).



در خصوص حقوق بنیادین مندرج در ماده (۷) اساسنامه رم و ماده (۷) (۱) (h) عناصر شرایط جنایت‌ها،<sup>۱</sup> بحث‌های زیادی وجود داشت. برخی معتقد بودند که مفهوم «شناخت جهانی» برای حقوق اساسی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال وقتی مشخص شد مذاکره‌کنندگان رم قبلاً تصریح کرده بودند که تشخیص جهانی برای موارد جدید تعقیب و آزار، غیر از موارد مندرج در ماده (۷) (۱) (h) عناصر اعمال می‌شود، با آن مخالفت شد (Witschel and Rückert, 2001: 96). پس از این برای ممانعت از تحمیل حقوق شناخته شده در برخی از کشورهای یا تمدن‌ها به کشورهای دیگر و اطمینان از عدم ایجاد مسئولیت برای عدم رعایت حقوقی که صرفاً در برخی از کشورها شناخته شده است، به پیشنهاد مصر، قید «پذیرفته شده» به «شناخته شده» الحاق و مقرر شد «چنین حقوق اساسی باید آنهایی باشند که در سطح جهانی شناخته شده و پذیرفته می‌شوند. به عبارت دیگر این قواعد در مقابل دولت‌هایی قابل اجراست که براساس تعهدات متعارف خود آن را پذیرفته‌اند یا دولت‌هایی که حقوق بین‌الملل عرفی را به عنوان منبع حقوق بین‌الملل خود قبول کرده باشند» (Chella, 2004: 105).

شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق نیز در رأی سال ۲۰۰۰ مربوط به پرونده کوپریچ، مصادیق حقوق بنیادین را قید نکرده و مقرر داشت: «تصریح به اینکه یک حق، حق بنیادین است تلویحاً به این معناست که حقوق دیگر چنین نیستند. برای تعیین و تعریف حقوقی که تجاوز به آنها تعقیب و آزار محسوب می‌شوند، می‌توان حدود مشخص‌تری را برای مفهوم کرامت انسان در موازین بین‌المللی حقوق بشر یافت؛ مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، دو میثاق ملل متحد در مورد حقوق بشر (۱۹۶۶) و اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. براساس مقررات این اسناد می‌توان مجموعه‌ای از حقوق متعلق به هر فرد را که تجاوز به آن حقوق، ممکن است با توجه به

۱. عناصر شرایط جنایت‌ها (Elements of Crimes)، ساختار عناصر جنایت‌های نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی مربوط به مواد (۶، ۷ و ۸) اساسنامه رم را توضیح می‌دهد که توسط مجمع کشورهای عضو در اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ تدوین و در سال ۲۰۱۰ بازنگری شد و به دادگاه در تفسیر و کاربرد مواد (۶، ۷ و ۸) کمک می‌کند و در واقع مکمل اساسنامه رم است.



اوضاع و احوال خاص هر مورد به جنایت علیه بشریت منجر شود، شناسایی نکرد. تعقیب و آزار شدید به این حقوق ناشی می‌شود و هدف آن جدا کردن فرد از جامعه براساس تبعیض است» (Kupreškić, para. 621).

هرچند برخی از حقوقی که به‌طور جهانی بنیادین تلقی می‌شوند از قبیل حق تعیین سرنوشت، حق دادرسی عادلانه، حق آزادی حرکت، اندیشه، بیان، دین، اجتماع و انجمن در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل گنجانده شده‌اند، اما به نظر می‌رسد بهتر است در ذکر نشدن مصادیق این حقوق، با شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق هم‌نظر باشیم تا در هر مورد و با توجه به اوضاع و احوال خاص آن نسبت به رعایت یا نقض حقوق بنیادین فرد تصمیم‌گیری شود.

## ۲-۱-۲. تبعیض آمیز بودن

در خصوص تبعیض تعاریف مختلفی ارائه شده که بهترین تعریفی که در این باره وجود دارد مربوط می‌شود به پرونده کوپرشکیچ و دیگران که اشعار می‌دارد: «همه اعمال مزبور به‌منظور جدا کردن و آسیب رساندن به افراد خاص است از طریق محروم کردن آنها از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که همه اعضای جامعه از آنها برخوردارند با هدف حذف قربانیان از جامعه‌ای که قربانیان و مرتکبان هر دو در آن زندگی می‌کنند و سرانجام ممکن است هدف حذف قربانیان از جامعه انسانی باشد» (Kupreškić, para. 634).

اثبات قصد تبعیض از مباحث بحث‌انگیز رویه قضایی است چه اینکه «این قصد خاص عموماً از واقعیات عینی و رفتار کلی مرتکب قابل استنباط است و به ندرت پیش می‌آید که بتوان آن را براساس دلایل کتبی (اسناد و مدارک) و یا دلایل ذهنی (اقرار) اثبات کرد» (Kordic and Cerkez, para. 715). همین امر سبب بروز اختلافاتی در بین شعب دادگاه‌ها شده و هر یک معیاری را مدنظر قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه ماهیت حمله‌ای که رفتار مرتکب بخشی از آن را تشکیل داده (Kvočka, para. 186) یا رفتار ارتكابی متهم (Krnjelac, para. 436) یا جمع بین این دو (Stakić, para. 741). به هر حال به نظر

می‌رسد تعمیم هر یک از این نظریات به همه پرونده‌ها صحیح نباشد و بهتر است در هر پرونده به صورت جداگانه و براساس شرایط آن قصد تبعیض را احراز کرد.

### ۳. رکن مادی جنایت تعقیب و آزار

رکن مادی در سه جزء رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع احوال و نتیجه حاصله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. رفتار فیزیکی

تعقیب و آزار در بین جنایات علیه بشریت از این رو منحصر به فرد است که رفتاری که به خودی خود مصداق تعقیب و آزار باشد وجود ندارد، بلکه این ویژگی تبعیض‌آمیز بودن عنصر مادی و معنوی است که موجب تحقق تعقیب و آزار می‌شود (Roberts, para. 290). «تعقیب و آزار طیف وسیعی از اعمال از جمله فیزیکی، اقتصادی یا قضایی را در بر می‌گیرد که نقض حق فرد در برخورداری از حقوق بنیادین به شمار می‌رود» (Tadic, para. 710). «فعل تعقیب و آزار ممکن است دارای شدت متفاوتی از اعمال محدودیت بر مشاغلی که برای گروه مورد تعقیب آزاد بوده، باشد» (Tadic, para. 703)؛ بنابراین رفتار تشکیل دهنده تعقیب و آزار، عمل تبعیض‌آمیزی است که ممکن است اشکال مختلفی داشته و ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل باشد (پورباقرانی، ۱۳۹۷: ۲۶۵).

در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی و آرای دادگاه‌ها، مصادیق جنایت تعقیب و آزار به صورت کامل قید نشده است، اما با توجه به رویکرد موسع دادگاه‌های خاص، مصادیق متنوعی را برای این جنایت می‌توان برشمرد: جنایات قتل (Blaškić, para. 143)، صدمه روانی شدید (Brđanin, para. 491)، شکنجه (Kvočka, Radić, Žigić and Prać, para. 324)، خشونت فیزیکی (Stakić, para. 752)، تجاوز به عنف (Brđanin, paras. 1008, 1012)، رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی (Blagojević and Jokić, paras. 605-610, 621)، جابه‌جایی اجباری (Blaškić, para. 570)، توقیف یا حبس یا مصادره خودسرانه اموال (Blaškić, paras. 234, 688)، حملات عامدانه علیه اموال یا افراد غیرنظامی

(Blaškić, para. 159)، گروگان‌گیری و استفاده از سپر انسانی (Blaškić, para. 155)، کار اجباری و سایر اشکال برده‌گیری (Krnojelac, para. 200)، کشتن جمعیت غیرنظامی (Blagojević and Jokić, paras. 592, 611–614, 620) و تخریب اموال شخصی منقول یا غیرمنقول (Blaškić, para. 149)<sup>۱</sup>، اگر با قصد تبعیض‌آمیز بر مبنای دلایل مذهبی، سیاسی و نژادی انجام شوند (البته در صورت احراز سایر شرایط عمومی جنایات علیه بشریت)، آزار به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی می‌شود. نقض حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (Kupreškić, para. 615) و صدور دستورات، احکام یا سیاست‌های تبعیض‌آمیز (Simić, Tadić and Zarić, para. 58) اعمالی هستند که هر چند در اساسنامه به آن اشاره نشده، اما شعب این دادگاه آنها را مصداق جنایت تعقیب و آزار تلقی کرده‌اند. همان‌طور که ذکر شد رفتارهای قضایی نیز می‌توانند مصداق تعقیب و آزار باشند. به عنوان نمونه در پرونده معروف به «قضات یا دادگستری» که تعدادی از متهمان دارندگان پایه قضایی در آلمان نازی بودند؛ از جمله اتهامات آنان اتهام تعقیب و آزار بود. دادگاه نورنبرگ در رأی مربوط به این پرونده اعلام داشت «مقامات قضایی آلمان نازی قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز را به‌طور خودسرانه و وحشیانه اجرا می‌کردند و این امر از نظر دادگاه قابل مجازات است» (Tabich, para. 709).

ضرورتی ندارد که رفتار ارتكابی در جنایت تعقیب و آزار در قوانین داخلی کشورها جرم محسوب شود، بلکه «ممکن است اعمالی که به خودی خود مجرمانه نیستند در صورت ارتكاب با قصد تبعیض و صف مجرمانه پیدا کنند» (Kvočka, para. 186) و «اینکه عمل تبعیض‌آمیز طبق قوانین داخلی مجاز است یا خیر مؤثر در مقام نیست» (Kupeeskic, para. 614). همچنین لازم نیست رفتار تشکیل‌دهنده تعقیب و آزار دربرگیرنده مجموعه‌ای از اعمال باشد، بلکه رفتار مجرمانه واحد نیز می‌تواند به شرط همراه بودن با قصد تبعیض، عنوان

---

۱. البته تخریب هر مالی نمی‌تواند آزار تلقی شود، حتی اگر به دلایل تبعیض‌آمیز انجام شده باشد. این تخریب باید تأثیر شدیدی بر حیات قربانی داشته باشد. برای نمونه، آتش زدن ماشین یک فرد بر مبنای دلایل تبعیض‌آمیز، آزار محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه این ماشین دارای حیاتی و جبران‌ناپذیر فرد بوده باشد. بنابراین شرایط وقوع جنایت باید مورد به مورد بررسی شود.

تعقیب و آزار را داشته باشد (Kittichaisari, para. 119). به عبارت دیگر رفتار ارتكابی به اعتبار اثر وضعی خود می‌تواند فردی یا جمعی باشد، در حالت اول عضو گروه مورد حمله قرار می‌گیرد؛ اما در حالت دوم آثار عمل مرتکب همه اعضای گروه مورد حمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Werle, 2005: 254).

### ۲-۳. شرایط و اوضاع احوال

برای احراز وقوع هر یک از مصادیق جنایت علیه بشریت، حتی اگر آن مصداق همچون جنایت تعقیب و آزار از شرایط خاص خود نیز برخوردار باشد، در ابتدا وجود شرایط عمومی جنایات علیه بشریت باید به اثبات برسد (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۹۲). بنابراین ابتدا شرایط عمومی و سپس اختصاصی جنایت تعقیب و آزار بررسی می‌شود.

#### ۱-۲-۳. وجود حمله

«حمله» را می‌توان به عنوان یک مجموعه رفتار دربرگیرنده اعمال خشونت‌آمیز توصیف کرد. البته باید توجه داشت هرچند واژه حمله، خشونت را متبادر به ذهن می‌کند و در جرائم علیه بشریت نیز حمله توأم با خشونت بیشتر مصداق دارد؛ اما ممکن است حمله گسترده یا سازمان یافته دارای ماهیتی غیرخشن باشد، مانند اعمال نظام تبعیض نژادی که مطابق ماده (۱) کنوانسیون آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ یکی از جرائم علیه بشریت شناخته شد (محمدخانی، ۱۳۹۱: ۲۳). به این ترتیب حمله محدود به استفاده از نیروی‌های مسلح نیست، بلکه هر بد رفتاری نسبت به جمعیت غیرنظامی و حتی هر اقدام به ظاهر غیرخشونت‌آمیز مانند تحمیل نظام تبعیض نژادی را هم می‌تواند شامل شود. یکی از مهمترین ویژگی‌های تعریف اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی این است که اشاره به ارتباط این‌گونه جنایات با برخوردهای مسلحانه نمی‌کند و تأکید دارد این جنایات نه تنها در خلال برخوردهای مسلحانه بلکه در زمان صلح و شورش‌های داخلی نیز می‌تواند روی دهد (کسمتی، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

## ۲-۲-۳. گستردگی یا سازمان‌یافتگی حمله

برابر بند «۵» ماده (۷) (۱) (h) عناصر، حمله «گسترده» یا «سازمان‌یافته» از ارکان ارتکاب جنایت تعقیب و آزار به شمار می‌رود.

قید «گسترده بودن»<sup>۱</sup> به ماهیت وسیع حمله و تعداد افراد مربوط است و براساس آن اقدام باید در سطح وسیع انجام شده و متضمن تعداد زیاد قربانی باشد. به عبارت دیگر گستردگی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «اقدام عظیم و بزرگ، مکرر و در مقیاس وسیع که در مجموع با شدت قابل توجهی علیه تعداد بسیاری از بزه‌دیدگان ارتکاب یابد» (Akayesu, para. 579). اما برای تحقق آن، ارتکاب جرائم متعدد و یا حمله بر تمامی افراد یک جمعیت توسط مرتکب لزومی ندارد، بلکه برابر نظر شعب دادگاه یوگسلاوی سابق «ارتکاب یک رفتار واحد توسط مرتکب که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابد، موجب مسئولیت کیفری شخصی می‌شود» (Tadic, para. 649). بنابراین مرتکب یا باید یک گروه یا اجتماع را مورد هدف قرار دهد یا به‌طور مشخص به فردی به دلیل عضویت او در این گروه و اجتماع حمله کند (ساعد، ۱۳۸۷: ۹۲).

قید «سازمان‌یافته بودن»<sup>۲</sup> ناظر بر الگوی جنایت بوده و لازم است که اقدامات وصف شده با برنامه‌ریزی و هماهنگی بالایی انجام شود. «مفهوم سازمان‌یافته می‌تواند به یک اقدام کاملاً سازمان‌دهی شده و در تعقیب یک الگوی منظم، براساس یک سیاست عمومی با استفاده از امکانات عمومی یا خصوصی قابل ملاحظه و عمدۀ تعریف شود. لازم نیست این سیاست به صورت رسمی به عنوان سیاست یک دولت پذیرفته شده باشد» (Akayesu, para. 579). از سوی دیگر وجود طرح یا سیاست مشخص برای احراز سازمان‌یافته یا گسترده بودن حمله لازم نیست. ارزیابی گسترده یا سازمان‌یافتگی جنایات انجام شده فرایندی «واقعه‌محور» به شمار می‌رود که توسط مرجع قضایی قابل تشخیص است (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

گفتنی است به‌رغم بحث‌ها و اختلافات فراوان در خصوص لزوم توأمان این دو قید، در

---

1. Widespread

2. Systematic

نهایت توافق حاصل شد که وجود یکی از آنها کفایت می‌کند (Kunarac, para. 98).

### ۳-۲-۳. غیرنظامی بودن جمعیت مورد حمله

اسناد بین‌المللی در جنایت علیه بشریت، موضوع جنایت را جمعیت غیرنظامی می‌داند. چنین شرطی از ویژگی‌های این جنایات است. برای تحقق این جنایات لازم است که رفتارهای مجرمانه علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابد (Blagojevic, Para. 541).

اصطلاح «جمعیت» «به این معنا نیست که تمامی جمعیت یک دولت یا سرزمین مشخص قربانی این رفتارها باشند تا جرائم علیه بشریت تحقق یابد؛ بلکه به جرائمی با ماهیت جمعی اشاره دارد. بنابراین رفتارهای واحد یا جدا جدا، هرچند ممکن است جنایات جنگی و جرائم داخلی را تحقق بخشند، اما موجب تحقق جرائم علیه بشریت نخواهند شد» (Tadic, Para. 644).

منظور از جمعیت غیرنظامی، جمعیتی است که اکثر آنان غیرنظامی باشند هرچند ممکن تعداد محدودی از نظامیان در بین آنها حضور داشته باشند. این امر ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد (پور بافرانی، ۱۳۹۷: ۲۶۲). مطابق آرای محاکم کیفری بین‌المللی، اعضای جمعیت غیرنظامی افرادی هستند که هیچ‌گونه شرکتی در عملیات جنگی ندارند و شامل آن دسته از افراد نیروهای نظامی که سلاح خود را زمین گذاشته‌اند یا به دلیل بیماری، جراحت، دستگیری یا هر علت دیگری ناتوان از جنگیدن باشند نیز خواهد شد (Akayesu, Para. 582). همچنین در صورتی که افراد یک خانواده در جریان یک درگیری مسلحانه برای دفاع از خود سلاح به دست گیرند، ویژگی غیرنظامی آنها از بین نخواهد رفت (Tadic, Para. 643). به عبارت دیگر وضعیت خاص قربانی در لحظه ارتکاب جنایت باید در تعیین غیرنظامی بودن او محاسبه شود؛ نه شئن و مقام وی (Bisengimana, Para. 49).

### ۳-۲-۴. وجود شدت برابر

تنوع رفتارهای تشکیل دهنده تعقیب و آزار و نیز تبعیض‌آمیز بودن این رفتارهاست

که جنایت تعقیب و آزار را منحصر به فرد کرده است، اما برای رفتاری که می‌تواند تعقیب و آزار تلقی شود، باید حدودی وجود داشته باشد زیرا «هرگونه نقض حقوق بشر را نمی‌توان جنایت علیه بشریت محسوب کرد» (Kupreškić, Para. 618). به عبارت دیگر برای اینکه تعقیب، اذیت و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی شود باید مشخص شود که چه میزانی از نقض حقوق اساسی منجر به اثبات این اتهام می‌شود.

«شدت برابر» یا «شدت هم‌سنگ» معیاری است که در رویه قضایی دادگاه‌های کیفری برای احراز عنصر مادی این جنایت انتخاب شده است. براساس این معیار فعل یا ترک فعل تشکیل دهنده تعقیب و آزار باید از حیث شدت و اهمیت با دیگر جنایات علیه بشریت برابر باشد. اعمال معیار این نتیجه را در پی خواهد داشت که آنچه می‌تواند آستانه وقوع یک جنایت علیه بشریت را تأمین کند صرفاً انکار شدید حقوق بنیادین بشر است. در واقع «هر انکار یا نقض حق اساسی به قدر کافی برای احراز وقوع جنایت علیه بشریت کافی نیست، بلکه فعل یا ترک فعل ایذایی باید از شدت برابر با سایر جرائم فهرست شده ذیل ماده اصلی برخوردار باشند. باین حال لازم نیست که عمل مورد نظر به خودی خود طبق حقوق بین‌الملل جرم باشد» (Media, Para. 985). دادگاه رواندا نیز در پرونده «مدیا» ملاک تعیین شدت را بستری دانست که فعل یا ترک فعل ادعایی در آن روی داده است (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). شعبه دادگاه در این پرونده اظهار داشت: «نیازی به بررسی این نیست که آیا «سخنرانی نفرت‌انگیز» به خودی خود سازنده جنایت تعقیب و آزار به عنوان یک جنایت علیه بشریت است یا خیر، بلکه بستر و فضایی که این عمل در آن روی می‌دهد برای تعیین شدت اهمیت دارد» (Media, Para. 987).

معیار این شدت در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی بیان نشده است. دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا برای توجیه صلاحیت خویش به شدت جرائم ارتكابی تکیه کرده و با استناد به عباراتی همچون «شدیدترین جرائم» و «قساوت بسیار زیاد» حکم به مجازات می‌دادند (صابر و صادقی، ۱۳۹۴: ۶۳۰). دفتر دادستانی دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ معیارهای



«مقیاس»، «ماهیت»،<sup>۲</sup> «نحوه ارتکاب»<sup>۳</sup> و «تأثیر این جرائم»<sup>۴</sup> را برای تحقق معیار این شدت مطرح کرده است (Policy Paper on Case Selection and Prioritisation, 2016, para. 37). ماده (۱۷) اساسنامه دیوان، شروع به تعقیب دادستان را منوط به تشخیص «شدت رفتار» کرده است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که مسئول تشخیص آستانه شدت، دادستان است. در صورتی که دادستان معتقد به عدم وجود شدت کافی برای شروع به تعقیب باشد، برابر ماده (۵۳) اساسنامه دیوان آن را حسب مورد به شعبه مقدماتی، دولت ارجاع‌دهنده یا شورای امنیت اطلاع می‌دهد و در صورت تقاضای بازنگری از طرف آنها شعبه به آن رسیدگی می‌کند. بنابراین شعبه مقدماتی به طور غیرمستقیم می‌تواند بر تشخیص آستانه شدت، توسط دادستانی تأثیر گذاشته و در تصمیم دادستان بازنگری کند (جعفری، ۱۳۸۸: ۷۷).

### ۳-۳. نتیجه حاصله

همان‌گونه که ذکر شد جنایت تعقیب و آزار براساس تبعیض انجام می‌شود، به عبارت دیگر

۱. براساس بند «۳۸» برگه سیاست در مورد انتخاب و اولویت‌بندی دفتر دادستانی سال ۲۰۱۶: «مقیاس جنایات ممکن است با توجه به تعداد قربانیان مستقیم و غیرمستقیم، میزان آسیب ناشی از جرائم به‌ویژه آسیب جسمی یا آسیب‌شناسی به قربانیان و خانواده‌های آنها و گسترش جغرافیایی یا زمانی آنها (جنایات شدید در یک دوره کوتاه و جنایات با شدت کم در یک دوره طولانی) ارزیابی شود».
۲. برابر بند «۳۹» برگه موصوف: «ماهیت جنایات به عناصر خاصی از هر نوع جنایت اشاره دارد؛ مانند قتل، تجاوز جنسی، جنایات جنسی یا جنسیتی، جنایاتی علیه کودکان یا آزار و اذیت و یا اعمال شرایط زندگی در یک گروه محاسبه شده برای تخریب آن».
۳. مطابق بند «۴۰» برگه موصوف: «نحوه ارتکاب جرائم ممکن است با در نظر گرفتن وسایل مورد استفاده برای اجرای جرم، میزان سازمان‌یافته بودن جرائم یا ناشی از برنامه یا سیاست سازمان‌یافته یا در غیر این صورت ناشی از سوءاستفاده از جنایات، قدرت یا ظرفیت رسمی، وجود عناصر قساوت خاص، از جمله آسیب‌پذیری قربانیان، هرگونه انگیزه‌ای شامل تبعیض توسط عاملان مستقیم جنایات، استفاده از تجاوز جنسی و سایر خشونت‌های جنسی یا جنسیتی یا جنایات ارتكابی از طریق تخریب محیط زیست یا اشیای محافظت‌شده یا در نتیجه آن ارزیابی شود».
۴. برابر بند «۴۱» برگه موصوف: «تأثیر این جرائم ممکن است به سبب افزایش آسیب‌پذیری قربانیان، تروریسم و یا آسیب اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی که در جوامع آسیب‌دیده رخ داده مورد ارزیابی قرار گیرد. در این باره دفتر رسیدگی ویژه به جرائم اساسنامه رم را که با استفاده از تخریب محیط زیست، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی یا تصرف غیرقانونی زمین انجام شده باشد، مورد توجه قرار خواهد داد».

تبعیض جزء هر دو عنصر روانی و مادی این جنایت محسوب می‌شود. برای تحقق جنایت تعقیب و آزار «قصد تبعیض به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل ارتكابی باید آثار تبعیض‌آمیز نیز بر جای گذارد» (Blagojevic and Jokic, para. 583). به این ترتیب تا رفتار ارتكابی به تبعیض واقعی منجر نشود و به فرد یا گروه مورد حمله مؤثر واقع نشود و به آن آسیب نرساند جنایت تعقیب و آزار، تحقق پیدا نکرده است. بنابراین جنایت تعقیب و آزار، جنایت مقید محسوب شده و برای تحقق آن حصول نتیجه مورد نظر مرتکب (انکار و محرومیت شدید و تبعیض‌آمیز حقوق بنیادین مذکور در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی و ضوابط حقوق بشری مذکور در اعلامیه حقوق بشر، میثاقین حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشر و بشردوستانه) شرط بوده و باید به آن «منتج شود» (Tadic, Para. 697).

مقید بودن جنایت تعقیب و آزار اولاً، وقوع جنایت را در صورت بروز اشتباه در غیرنظامی بودن گروه منتفی می‌کند. بنابراین چنانچه مرتکب به هر دلیلی تصور کند علیه یک گروه نظامی رفتار خود را انجام می‌دهد و در پی حمله به یک جمعیت نظامی بوده و به اشتباه یک جمعیت غیرنظامی را مورد حمله قرار داده، نیت مجرمانه او تشکیل نشده و بی‌تردید عنصر روانی جنایت محقق نخواهد شد؛ زیرا فرد عالم به موضوع این جنایت که جمعیت غیرنظامی است، نبوده و به گمان خود به جمعیتی نظامی حمله برده است (محمدخانی، ۱۳۹۱: ۲۷). ثانیاً، در صورت عدم حصول نتیجه و فراهم بودن سایر شرایط از جمله صلاحیت دیوان برای رسیدگی به شروع به جنایت، شاید بتوان مرتکب را برای شروع به تعقیب و آزار مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

برابر بند «۱» (h) ماده (۷) عناصر جرائم، شرط تحقق تعقیب و آزار ارتباط آن با اعمال مجرمانه مصداق جنایات علیه بشریت یا یکی از جنایات مشمول صلاحیت دیوان است. در مورد «شرط ارتباط» دو فرض قابل تصور است: فرض اول اینکه عمل تشکیل‌دهنده تعقیب و آزار خود از مصادیق جنایات علیه بشریت باشد، مانند قتل که براساس تبعیض واقع شده باشد که در این صورت شرط خودبه‌خود تحقق یافته، چه اینکه عمل ارتكابی از مصادیق ماده (۷) اساسنامه دیوان محسوب می‌شود. فرض دوم حالتی است که عمل مرتکب از مصادیق جنایات علیه بشریت نباشد، در

این صورت لازم است ارتباط بین عمل مرتکب با یکی از اعمال مذکور در ماده (۷) اساسنامه دیوان احراز شود. به نظر می‌رسد در فرض دوم شرط ارتباط، منصرف به وجود رابطه علیت بین تعقیب و آزار و عمل مجرمانه دیگر باشد. باین حال گفته شده «به دلیل اینکه در بند «۱» (h) ماده (۷) عناصر جرائم و در ماده (C) ۶ منشور نورنبرگ به رابطه علیت بین فعل مرتکب و نتیجه حاصله اشاره‌ای نشده است، لازم نیست ارتباط بین تعقیب و آزار و اعمال مجرمانه منصوص حتماً از نوع رابطه علیت باشد، بلکه هر نوع ارتباط عینی بین تعقیب و آزار و اعمال مزبور کافی است هرچند از نوع رابطه علیت نباشد» (Ambos and Wirth, 2002: 73) برگرفته از صیرفی، (۱۳۸۷: ۱۳۲).

#### ۴. رکن معنوی جنایت تعقیب و آزار

برابر ماده (۳۰) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی؛ تعقیب، اذیت و آزار مستلزم آن است که عناصر مادی این جنایت با علم و قصد ارتکاب یابد. علم و عمد عنصر روانی مشترک میان همه مصادیق جنایت علیه بشریت و سوءنیت عام این جنایات به شمار می‌رود. باین حال سهیم بودن مرتکب در اهداف اصلی حمله ضرورت ندارد، بلکه «صرفاً لازم است بداند عملی که مسئول انجام آن است، جزئی از این حمله محسوب می‌شود» (Kunarac, Para. 103) و علم وی را می‌توان از حضور مرتکب در نقاط مختلف محل جنایات (Musema, Para. 946) و آگاهی وی از وضعیتی که در سطح ملی و در مناطق تحت کنترل مشاهده می‌شود استنباط کرد (Bagosora, Para. 2167) از طرف دیگر آگاهی از جزئیات حمله و سهیم بودن در اهداف و انگیزه‌های آن نیز لازم نیست (Blagojevic, Para. 548).

جنایت تعقیب و آزار علاوه بر سوءنیت عام (علم و عمد) که مشترک بین تمام جنایات علیه بشریت است، دارای سوءنیت خاص نیز است. «قصد تبعیض به منزله سوءنیت خاص تعقیب و آزار است» (Stakić, Para. 737) و یکی از راه‌های احراز چنین قصدی، زمینه و فضای حمله است (Blaškić, Para. 164). بنابراین روش اثبات آن از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است (Ibid., Para. 126) و این دادستان است که باید اثبات کند رفتار ارتكابی متهم با قصد تبعیض بوده است (Komojelic, Para. 184).

تعقیب و آزار مستلزم درجه بالاتری از عنصر روانی نسبت به سایر جنایات علیه بشریت (به دلیل نیاز به سوءنیت خاص) و درجه پایین‌تری از عنصر روانی نسبت به نسل‌زدایی است (صیرفی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). نسل‌زدایی مطابق ماده (۲) کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، جنایتی است که تحقق عنصر روانی آن منوط به قصد مرتکب در نابود کردن یک گروه ملی، قومی، نژادی و یا مذهبی است و اینکه مرتکب این جنایت، قربانی را به دلایل مذکور انتخاب می‌کند این جنایت را به تعقیب و آزار نزدیک می‌کند. بنابراین در مورد هر دو جنایت آنچه اهمیت دارد قصد تبعیض است؛ اما برخلاف نسل‌زدایی در تعقیب و آزار، مرتکب در پی نابودی یکی از گروه‌های مورد حمایت نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرگاه تعقیب و آزار تا حدی شدت گیرد که به شکل اقدامات عمدی برنامه‌ریزی شده برای نابودی یک گروه یا بخشی از آن درآید، به حد نسل‌زدایی رسیده است (Kupreškić, para. 636)، البته اگر گروه مزبور از گروه‌های چهارگانه مورد حمایت کنوانسیون نسل‌زدایی نبوده و مثلاً گروهی سیاسی یا فرهنگی باشد، چون سوءنیت خاص نسل‌زدایی محقق نشده است، باید جنایت تعقیب و آزار را محقق دانست (محمدخانی، ۱۳۹۱: ۳۹).

## ۵. راهبردهای نظام سیاستگذاری بین‌المللی در قبال جنایت تعقیب و آزار

برای درک راهبردهای نظام سیاستگذاری بین‌المللی در قبال جنایت تعقیب و آزار باید بدانیم که چگونه تعقیب و آزار به عنوان جنایتی علیه بشریت به وجود آمده است.

### ۵-۱. جنایت تعقیب و آزار قبل از جنگ جهانی دوم

جنایات علیه بشریت، همان‌طور که امروزه مشهور است، از عباراتی مانند «قوانین بشریت» ناشی می‌شود که در اوایل دهه ۱۸۶۰ پدید آمده است (Robinson, 1999: 43). به عنوان مثال در اعلامیه سن پترزبورگ در سال ۱۸۶۸ برای محدود کردن استفاده از مواد منفجره از عنوان «برخلاف قوانین بشریت»<sup>۱</sup> استفاده شده و در اولین کنفرانس صلح لاهه ۱۸۹۹ نیز به مفهوم «قوانین

---

1. Contrary to the Laws of Humanity

بشریت» اشاره شده است. در این کنفرانس بند مارتنس به تصویب رسید که بعدها به عنوان بخشی از مقدمه کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ درج شد (Bassiouni and Wahid Hanna, 2006: 64). چندین سال بعد و در ۲۸ مه ۱۹۱۵ اعلامیه مشترک فرانسه، بریتانیا و روسیه صادر شد که قتل عام ارامنه در ترکیه توسط امپراتوری عثمانی را محکوم کرد. در این اعلامیه علاوه بر اینکه قتل عام‌ها به عنوان جنایاتی علیه بشریت توصیف شد، از دولت ترکیه و نمایندگان آن خواسته شد مسئولیت اقدامات خود را برعهده گیرند. این نخستین باری بود که ایده جنایت علیه بشریت و نیز مسئولیت پذیر بودن کسانی که مرتکب این جنایات شده‌اند، مطرح شد. جالب است بدانیم که در ابتدا این قتل عام‌ها به عنوان اقدامات آزار و اذیت خوانده می‌شدند (Schwelb, 1946: 181).

به دنبال جنگ جهانی اول برخی نمایندگان در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹ تصمیم به ایجاد دادگاه بین‌المللی گرفتند. تصور می‌شد که هدف دادگاه، متشکل از قاضیان متفقین، محاکمه مجرمین متهم به نقض قوانین و آداب و رسوم جنگ و قوانین بشریت است. با این حال پیشنهاد ایجاد یک دادگاه بین‌المللی با مخالفت شدید روبه‌رو شد (Kochavi, 1998: 1).

## ۲-۵. جنایت تعقیب و آزار پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، اصطلاح «تعقیب و آزار» ابتدا در منشور نورنبرگ، توکیو و قانون شماره ۱۰ شورای کنترل، جرم‌انگاری و سپس در اساسنامه دادگاه‌های کیفری خاص و دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شد (ساعد، ۱۳۸۷: ۸۹). پس از تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، جنایت تعقیب و آزار در اسناد دیگری نیز آمده است که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

- بخش پنجم از مقررات شماره ۲۰۰۰/۱۵ در خصوص تأسیس پیل‌های تیمور شرقی (۲۰۰۰)،
  - ماده (۵) قانون تأسیس شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج (۲۰۰۱)،
  - ماده (۱۲) اساسنامه دادگاه ویژه برای سیرالئون (۲۰۰۲)،
  - ماده (۱۲) (۸) (a) اساسنامه دادگاه ویژه عراق (۲۰۰۳).
- جرم‌انگاری تعقیب و آزار با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. منشور نورنبرگ این جنایت

را به جهت ارتکاب آن بر مبنای دلایل مذهبی، سیاسی و نژادی از دیگر جنایات علیه بشریت تفکیک کرده بود و ارتکاب آن را در صورتی جنایت علیه بشریت می‌دانست که «در راستا یا در ارتباط با هر جرم دیگری که در صلاحیت دادگاه بود، خواه نقض قانون داخلی کشور محل ارتکاب محسوب می‌شد یا خیر، ارتکاب می‌یافت»، (Boot and Hall, 2008: 216). با این استدلال تعقیب، آزار و اذیت نه تنها یک جنایت مستقل نبود بلکه به جنایت فرعی تبدیل می‌شد که فقط اثر ارتکاب آن تشدید مجازات مرتکب بود. بعدها با حذف این ارتباط در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و نیز حقوق بین‌الملل عرفی؛ تعقیب، آزار و اذیت به عنوان جنایت مستقل شناخته و عناصر آن تعریف شد.

## ۶. جرم‌انگاری تعقیب و آزار در حقوق داخلی

یکی از موضوعات مهم عدالت کیفری بین‌المللی، جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در نظام عدالت کیفری ملی به منظور فراهم کردن امکان تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین این جنایات در نظام قضایی داخلی است. هرچند دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایات تشکیل شده، اما برپایی عدالت در محل وقوع جنایت و احترام به حق حاکمیت کشورها، حق رسیدگی به این جنایات در سطح ملی را در اولویت قرار داده است. از این روست که مواد (۱ و ۱۷) اساسنامه، صلاحیت دیوان را نسبت به صلاحیت کشورهای عضو «تکمیلی»<sup>۱</sup> قلمداد کرده و دیوان را فقط در صورتی صالح به رسیدگی به این جنایات می‌داند که کشور صالح به رسیدگی «نخواهد» یا «نتواند» به جنایت رسیدگی کند.

در قوانین کیفری ایران برخی عناوین مجرمانه یافت می‌شود که می‌توان آنها را با جنایت تعقیب و آزار مشابه دانست یا ادعا کرد که به استناد آنها می‌توان مرتکبین جنایت تعقیب و آزار را تحت تعقیب قرار داد. به عنوان مثال «فحش‌ای اجباری» که به صورت «سازمان یافته، گسترده و به قصد تبعیض» انجام گیرد؛ علاوه بر اینکه یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت از نوع تعقیب، اذیت و آزار مورد نظر دیوان است، امکان دارد مصادیقی از زنا، محصنه، زنا به

عنف یا لواط در قانون مجازات باشد<sup>۱</sup> یا شکنجه موضوع اصل (۳۸) قانون اساسی<sup>۲</sup>. همچنین است قتلی که به صورت «سازمان یافته، گسترده و به قصد تبعیض» انجام شود به عنوان یک جرم عمومی در قانون مجازات تلقی شود، اذیت و آزار بدنی موضوع ماده (۵۷۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵<sup>۳</sup>، صدمه و آسیب جسمی با عنوان ضرب و جرح موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵<sup>۴</sup> و هتک حرمت اشخاص (ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵<sup>۵</sup>)<sup>۶</sup> و نیز بسیاری از مصادیق تعقیب و آزار که می‌توانند به عنوان محاربه و افساد فی الارض در قانون مجازات تلقی شوند. اما از یک سو بسیاری از عناوین و مصادیق این جنایت در حقوق داخلی ایران جایگاهی ندارد و از سوی دیگر وجود عناوین شبیه جنایت تعقیب و آزار موضوع اساسنامه دیوان از قبیل آزار، اذیت، شکنجه، قتل و ... دلیلی برای عدم جرم‌انگاری نخواهد

۱. سند عناصر جنایات در شق «ز» بند اول ماده (۷) عنصر مادی؛ تجاوز جنسی را مستلزم تهاجم مرتکب به جسم قربانی که باید به دخول منجر شود؛ تعریف می‌کند که جنسیت در تحقق آن نقشی نداشته و چه مردان و چه زنان می‌توانند قربانیان تجاوز جنسی قلمداد شوند. این تعریف با تعریف قانون مجازات اسلامی از زنا مندرج در ماده (۲۲۱) و تبصره‌های آن و لواط در ماده (۲۳۳) که در هر دو تحقق جرم مشروط به دخول است؛ شباهت دارد.

۲. اصل (۳۸): هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.  
 ۳. ماده (۵۷۸) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات امر قتل را خواهد داشت».

۴. ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقض یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه شود در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود».

۵. ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

۶. قانونگذار ایران به صراحت در مقام حمایت از اصل بنیادین صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی شهروندان، مانند محترم شمردن تمامیت جسمانی و روانی افراد و حفظ حریم خصوصی آنان به پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری پرداخته است. عناوین مجرمانه قانون مجازات اسلامی از جهات مختلف از جمله اهداف جرم‌انگاری، رکن مادی و شرایط تحقق با عناوین مجرمانه مندرج در اساسنامه رم مشابه هستند.



بود زیرا جرائمی هستند که اصولاً علیه اشخاص، اموال، امنیت و آسایش عمومی شناخته می‌شوند و آشکارا هدف از وضع آنها حمایت از اشخاص، اموال و قدرت داخلی است که ارتباطی با جنایات بین‌المللی ندارد و واجد ویژگی‌ها و ارکان خاص جنایات بین‌المللی نیستند که اصولاً یک نظام سیاست جنایی افتراقی را می‌طلبد (فلاحیان، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

الزامات ملی از قبیل رعایت قاعده شرعی «نفی سبیل»<sup>۱</sup> و ممانعت از تسلط دیوان بین‌المللی کیفری، تأمین امنیت ملی که مستلزم کنترل جرم و تأمین عدالت کیفری در سطح بین‌المللی است (Andreas and Nadelmann, 2006: 189)، حفظ حاکمیت ملی و اعمال صلاحیت کیفری نسبت به جنایات ارتكابی بین‌المللی که در ماده (۹) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن تصریح شده و از سوی دیگر الزامات بین‌المللی همانند الزام ناشی از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بین‌الملل عرفی (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۳)، معاهدات و کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی و الزام به تغییر حقوق داخلی در جهت همسویی با این معاهدات و کنوانسیون‌ها<sup>۲</sup> (مهرپور، ۱۳۸۳: ۵۲۲)، اصل صلاحیت جهانی و امکان و استحقاق دولت‌ها در پیگرد مرتکبین این جنایات (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴۵) جرم‌انگاری و تعریف جنایت تعقیب و آزار را در حقوق داخلی ضروری کرده تا ضمن رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دادگاه‌های داخلی صلاحیت رسیدگی با این جنایات را داشته باشند (دیپهیم، ۱۳۸۰: ۲۶)، چرا که رسیدگی به جنایات بین‌المللی در دادگاه‌های داخلی منوط به وجود متنی قانونی است که در آن جرائم و مجازات به خوبی تعیین شده باشد (رضوی فرد و فرجی، ۱۳۹۶: ۱۶). در غیر این صورت دخالت دیوان بسیار محتمل خواهد بود (زمانی، ۱۳۸۱: ۷۸).

---

۱. این قاعده مبتنی بر آیه ۱۴۱ سوره نساء است که می‌فرماید: «به تحقیق خداوند برای کافران راه تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است».

۲. ماده (۹) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود».

۳. از قوانینی که در جهت همسویی با معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب شده‌اند می‌توان به قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی (۱۳۵۶)، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱)، قانون مبارزه با مواد مخدر (۱۳۶۷) و نیز موادی از قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) مانند مواد (۵۱۱) (تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هواپیما و کشتی و ...)، (۵۷۸) (شکنجه)، (۵۷۹) (مجازات فرا قانونی) و (۵۸۳) (توقیف یا حبس غیرقانونی) اشاره کرد.

## ۷. جمع بندی و نتیجه گیری

قدمت جرم انگاری جنایات علیه بشریت، نسبت به سایر جنایات بین المللی کمتر بوده اما پویایی و توجه به آن در سطح بین الملل بیشتر است. توافقات یا مصلحت سیاسی مانع از ارائه تعریف روشنی از «جنایت تعقیب و آزار» در کنفرانس رم شد هرچند تعریف اساسنامه با ماده (۷) (۱) (h) عناصر جرائم که ۶ عنصر مورد نیاز برای جنایت تعقیب و آزار را فراهم آورده بود، به نسبت تکمیل شد. با این حال عناصر جرائم کاملاً روشن نیست.

جنایت تعقیب و آزار از مصادیق جنایت علیه بشریت و یکی از مهمترین آنهاست و به محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین الملل بر مبنای دلایل سیاسی، قومی، نژادی، ملی، فرهنگی، مذهبی و جنسی، به قصد تبعیض تعریف شده است. تعیین شرایطی خاص برای تحقق، این جنایات را از سایر جنایات متمایز کرده است؛ شرایطی از قبیل حمله گسترده یا سازمان یافته، حمله علیه جمعیت غیر نظامی، ارتکاب اعمال به عنوان جزئی از حمله و لزوم علم مرتکب به اینکه اعمال وی جزئی از حمله بوده است. جنایت تعقیب و آزار جزء جرائم مقیدی است که علاوه بر سوءنیت عام (علم و عمد) که مشترک بین تمام جنایات علیه بشریت است، دارای سوءنیت خاص هم است. قصد تبعیض به منزله سوءنیت خاص تعقیب و آزار است که اثبات آن برعهده دادستان است. از یک سو وقوع و حتی گسترش جنایات علیه بشریت و در رأس آن جنایت تعقیب، اذیت و آزار در جهان امری انکارناپذیر است و از سوی دیگر دگرگونی اعمال تشکیل دهنده این نوع جنایت با توجه به تنوع پذیر بودن عنصر مادی، روابط موجود بین دولت ها و موقعیت مرتکبین این جنایت در سطح بین المللی به طور مستقیم بر روی واکنش های بین المللی و میزان این واکنش ها مؤثر بوده است.

جرم انگاری تعقیب و آزار در ایران ناشی از الزامات ملی و بین المللی است. در سطح ملی حفظ حاکمیت ملی، رعایت موازین شرعی و قاعده فقهی «نفی سبیل»، اجرای اصول قانون اساسی و اصول حقوق کیفری و در سطح بین المللی، پایبندی به تعهدات بین المللی ناشی از معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، اعمال صلاحیت جهانی و ممانعت از رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در کشور توسط سایر کشورها در جهت اعمال این اصل

و تأمین عدالت بین‌المللی، جرم‌انگاری جنایت تعقیب و آزار را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اعمال صلاحیت کیفری نسبت به جنایت تعقیب و آزار از یک سو ابزار مهمی در تحکیم حاکمیت ملی به شمار می‌رود و از سوی دیگر بیانگر مسئولیت‌پذیری کشور در پیشگیری از وقوع این جنایت و پایان دادن به مصونیت مرتکبان آن است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

### الف) در جهت اصلاح اساسنامه دیوان

- بیان تعریفی دقیق، صریح و روشن از جنایت تعقیب و آزار؛ دلایل متعددی وجود دارد که باید دامنه جرائم تعقیب و آزار در آینده مشخص شود. اولین دلیل رعایت اصل قانونی بودن جرم است، رعایت این اصل مانع می‌شود که جنایات آزار و شکنجه به عنوان یک جرم «همه‌گیر» مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا دادگاه در پرونده سیمیچ و دیگران اظهار داشت که «اصل قانونی نیاز به آن دارد که دادستان باید اقدامات خاصی را که به آزار و شکنجه مربوط می‌شود شناسایی و اثبات کند» (Simić, Para. 735).

- تعیین دقیق اعمال اصلی و فرعی تشکیل‌دهنده جنایت تعقیب و آزار؛ این امر رعایت قاعده عطف بماسبق نشدن را که در اسناد بین‌المللی مغفول مانده تضمین می‌کند. چه اینکه در اغلب موارد صلاحیت دادگاه‌ها بعد از ارتکاب جنایات تعیین شده است و حتی دیوان بین‌المللی کیفری نیز برخی از موارد را عطف بماسبق می‌کند (Linton, 2003: 37).

### ب) در جهت جرم‌انگاری و اصلاح قوانین ملی

- جرم‌انگاری جنایت تعقیب و آزار در قوانین کیفری با توجه به ضرورت‌های مختلف حقوقی ناشی از تعهدات بین‌المللی و نیز ضرورت‌های سیاسی و در جهت بهره‌مندی از مزایای صلاحیت تکمیلی دیوان.

در این راستا ضروری است قانون خاصی که جنایت‌های بین‌المللی از جمله جنایت تعقیب و آزار را جرم‌انگاری کند، تصویب شود یا قوانین کیفری موجود اصلاح شوند. در هر صورت باید در قانون تصویبی تعریف جنایت، اصول مسئولیت کیفری و دفاع متهم،

پذیرش صلاحیت جهانی برای دادگاه‌های داخلی در خصوص مصادیق این جنایت، لغو مصونیت مقامات دولتی، تضمین دادرسی عادلانه، رعایت حقوق متهم و فرد بازداشت شده در دادگاه‌های داخلی، منع محاکمه مجدد، جبران خسارت‌ها مطابق استانداردهای بین‌المللی، فراهم کردن زمینه اجرای مجازات و ... لحاظ شود.

- استفاده از مستندات فقهی، تجربیات سایر کشورهای و رهنمودهای دیوان بین‌المللی در زمینه جرم‌انگاری جنایت تعقیب و آزار.

- جرم‌انگاری همسو با قواعد بین‌المللی و به صورت صریح، شفاف، تفسیرناپذیر و در عین حال فاقد هرگونه استثنایی در مشمولیت آن نسبت اشخاص حقیقی و حقوقی.



## منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران، انتشارات میزان.
۲. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷). *حقوق جزای بین‌الملل*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات جنگل.
۳. جعفری، فریدون (۱۳۸۸). «نقش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جهانی‌سازی حقوق کیفری و چالش‌های آن»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۴. حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸). «صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۱.
۵. دیوان داورى دعاوى لاهه (۱۳۶۸). *فرهنگ اصطلاحات حقوقی «انگلیسی به فارسی» (لايه)*، تهران، گنج دانش.
۶. دیهیم، علیرضا (۱۳۸۰). *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران، انتشارات میزان.
۸. رضوی فرد، بهزاد و محمد فرجی (۱۳۹۶). «بایستگی جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی و الگوهای آن»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۶، ش ۸۲.
۹. زارعی، محمدعلی (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی حقوق بنیادین بشر در ایران و اسناد بین‌المللی»، *کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، گرگان، مرکز علمی و کاربردی خانه کارگر گرگان*.
۱۰. زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۱). «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیم‌ها و امیدها»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۲.
۱۱. ساعد، امیر (۱۳۸۷). «جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۳۹.
۱۲. صابر، محمود و آزاده صادقی (۱۳۹۴). «بررسی معیار آستانه شدت برای تعقیب جنایات در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با نگاهی بر دیگر دادگاه‌های بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۶، ش ۲.
۱۳. صیرفی، ساسان (۱۳۸۷). «تعقیب و آزار به‌عنوان جنایت علیه بشریت»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران*.
۱۴. علامه، غلام‌حیدر (۱۳۸۵). *جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). «گفت‌وگو با موضوع حقوق و آزادی‌های بنیادین»، *فصلنامه حقوق اساسی*، ش ۲.

۱۶. فلاحیان، همایون (۱۳۸۵). «پیامدهای الحاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان بین‌المللی کیفری از بعد جنایات مندرج در اساسنامه دیوان»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۳۵.
۱۷. کسمتی، زهرا (۱۳۷۹). «تعریف جرائم نسبت به بشریت در کنفرانس رم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۳ و ۱۵۴.
۱۸. گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، فصلنامه حقوق اساسی، ش ۲.
۱۹. محمدخانی، عباس (۱۳۹۱). «جرائم علیه بشریت در رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد»، مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۱۱.
۲۰. موسوی، سیدفضل‌الله و معصومه سادات میرمحمدی (۱۳۸۹). «بررسی جنایت تعقیب و آزار در پرتو وقایع اخیر بحرین»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۷، ش ۴۳.
۲۱. مهرپور، حسین (۱۳۸۳). نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۲. میرحجاری، سیداحمد (۱۳۷۸). «قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، نشر وزارت امور خارجه.
۲۳. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۶). «صلاحیت دولت‌ها در رسیدگی به جرائم بین‌المللی»، مجله دیدگاه‌های حقوقی، ش ۸.
۲۴. --- (۱۳۸۳). دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر.
۲۵. میرمحمدی، معصومه سادات (۱۳۸۸). «تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آنها»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۱.

26. Ambos. K and S. Wirth (2002). "The Current Low of Crime Against Humanity", *CLF*, Vol. 13, No. 1.

27. Andreas. P and E. Nadelmann (2006). *Policing the Globe: Criminalization and Crime Control in International Relations*, Oxford University Press.

28. Bassiouni, M. Cherif (1997). "From Versailles to Rwanda in Seventy- Five Years: The Need to Establish a Permanent International Criminal Court", *Harvard Human Rights Journal*, Vol.10, No. 11.

29. --- (1999). *Crimes Against Humanity in International Criminal Law* (2nd ed) The Hague, Kluwer Law International.
30. Bassiouni, Cherif. M and Michael Wahid Hanna (2006). "Ceding the High Ground: The Iraqi High Criminal Court Statute and the Trial of Saddam Hussein", *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. 39, No. 1.
31. Boot, Machteld and Christopher K. Hall (2008). "Persecution" in Otto Triffterer (ed.), "Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court", Munich Oxford Baden-Baden.
32. Chella, Jessie (2004). "Persecution: A Crime Against Humanity in the Rome Statute of the International Criminal Court", Thesis to Bond University for the Master of Laws Research Degree.
33. Dictionary.com available at: <http://dictionary.reference.com>.
34. *Elements of Crimes Published by the International Criminal Court*, ISBN No. 92-9227-232-2 ICC-PIDS-LT-03-002/11\_Eng.
35. Jones, Peter (1996). *Rights*, The Macmilan Press, London.
36. Kochavi, Arieh J. (1998). *Prelude to Nuremberg: Allied War Crimes Policy and the Question of Punishment*, London, University of Carolina Press.
37. *Office of The Prosecutor, Policy Paper On Case Selection and Prioritisation*, 15 September 2016.
38. Roberts. K. (2002). "The Law of Persecution Befor The International Criminal Tribunal Former Yugoslavia", *LJIL*.
39. Robinson, Darryl (1999). "Developments in International Criminal Law: Defining "Crimes Against Humanity" at the Rome Conference", *American Journal of International Law*, Vol. 93.
40. Sadat, L. (2013). "Crimes Against Humanity in the Modern Age", *American Journal of International Law*, 107 (2), doi: 10.5305/ amerjintelaw. 107.2.0334.



41. Schwelb, Egon (1946). *Crimes Against Humanity*, Oxford University Press.
42. Linton Suzannah (2003). "Comments on the Draft Agreement Between the United Nations and the Royal Government of Cambodia Concerning the Prosecution Under Cambodian Law of Crimes Committed During the Period of Democratic Kampuchea", Searing for the Truth Comment and Analysis, Special English Edition, Documentation Centre of Cambodia DC-Cam, Available at:www.dccam.org.
43. Prosecutor v. Alfred Musema, Case No. ICTR-96-13-A, Judgement, 27 January 2000.
44. Prosecutor v. Banović, Case No. IT-02-65/1-S, ICTY Trial Judgment, 28 October 2003.
45. Prosecutor v. Blagojević and Jokić, Case No. IT-02-60-T, Judgement, 17 January 2005, ("Blagojević and Jokić Trial Judgement").
46. Prosecutor v. Blagojevic and Jokic, Case No. IT-02-60-T, Judgement, 17 January 2007.
47. Prosecutor v. Blaškić, Case No. IT-95-14, ICTY Trial Judgment, 3 March 2000.
48. Prosecutor v. Blaškić, Case No. IT-95-14-A, Judgement, 29 July 2004 ("Blaškić Appeal Judgement").
49. Prosecutor v. Brđanin, Case No. IT-99-36-T, Judgement, 1 September 2004 ("Brđanin Trial Judgement").
50. Prosecutor v. Dusko Tadic, Yugoslavia Tribunal Case No. IT-1-94-T, TC II Judgement of 7 May, 1997.
51. Prosecutor v. Goran Jelisic, Case No. IT-95-10-T, Judgement, 14 December 1999.
52. Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, Judgement, 2 September 1998.
53. Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, Case No. ICTR-95-1-T, Judgement, 21 May 1999.
54. Prosecutor v. Krnojelac, Case No. IT-97-25-A, Judgement, 17 September 2003 ("Krnojelac Appeal Judgement").
55. Prosecutor v. Kupreškić et al, Case No. IT-16-95, ICTY Trial Judgment, 14 January 2000.
56. Prosecutor v. Kvočka, Radić, Žigić and Prcać, Case No. IT-98-30/1-A, Judgement, 28 February 2005.
57. Prosecutor v. Paul Bisengimana, Case No. ICTR-00-60-T, Judgement, 13 April 2006.

58. Prosecutor v. Plavšić, Case No. IT-00-39&40/1-S, ICTY Sentencing Judgment, 27 February 2003.
59. Prosecutor v. Prosecutor v. Blagojević and Jokić, Case No. IT-02-60-T, Judgement, 17 January 2005 ("Blagojević and Jokić Trial Judgement").
60. Prosecutor v. Rutaganda, Case No. ICTR-96-3-T, Judgement, 20 October 1999.
61. Prosecutor v. Semanza Trial Judgement, Case No. ICTR-97-20-T, 15 May 2003.
62. Prosecutor v. Simon Bikindi, Case No. ICTR-01-72-T, Judgement, 2 December 2008.
63. Prosecutor v. Stakić, Case No. IT-97-24-T, Judgement, 31 July 2003 ("Stakić Trial Judgement").
64. Prosecutor v. Sylvestre Gacumbtsi, Case No. ICTR-2001-64-T, Judgement, 17 June 2004.
65. Prosecutor v. Tadic, Case No. IT-94-1-T, Judgement, 7 May 1997.
66. Prosecutor v. Theoneste Bagosora, Case No. ICTR-98-41-T, Judgement, 18 December 2008.
67. Prosecutor v. Todorović, Case No. IT-95-9/1-S, Sentencing Judgment, 31 July 2001.
68. Werle. G. (2005). *Principles of International Criminal Law*, T.M.C. Asser Press.
69. Witschel, Georg and Weibke Rückert (2001). "Article 7(1)(h) Crime Against Humanity of Persecution" in Roy S. Lee (ed), *The International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure and Evidence* (Ardsey: Transnational Publishers Inc).